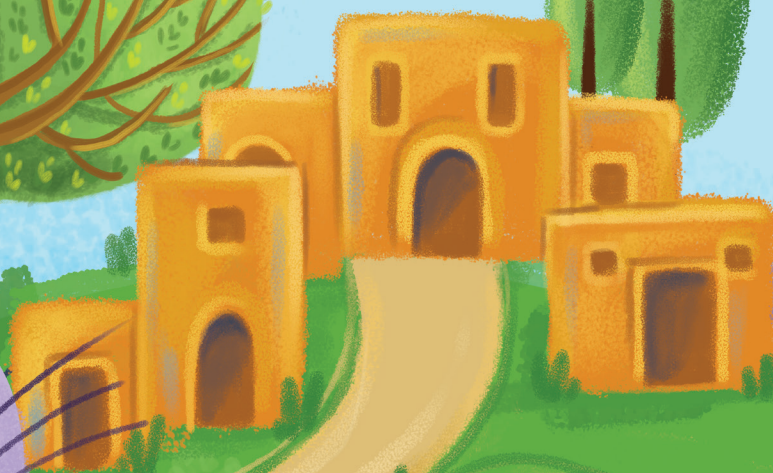


امید به دشمن





امید به دشمن

(مجموعه‌ی: داستان‌های شیرین برای زندگی)

نویسنده: محمد محمدی امین

تصویرگر: زینب وفاکیش توحیدی

ناشر: انتشارات مسجدنا

چاپ: اول، تیر ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

گروه سنی: ب و ج

قیمت: ۷۰,۰۰۰ تومان

مرکز پخش: مشهد مقدس، خیابان دانشگاه، خیابان گلستان

غربی، ساختمان محراب. شماره تماس ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۲۶

«کلیه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است»



ISBN : 978-622-91780-6-5





اُمید به دشمن

(مجموعه‌ی داستان‌های شیرین برای زندگی)

نویسنده: محمد محمدی امین

تصویرگر: زینب وفاکیش توحیدی



در روزگار قدیم، گربه‌ی بدجنسی بود که درون روستایی کوچک زندگی می‌کرد. او گوش‌های بسیار قوی، چشمان تیزبین و پنجه‌های قوی و بلندی داشت. هیچ موشی از دست او در امان نبود. موش‌های روستا از ترس گربه، همیشه با ترس و لرز زندگی می‌کردند و نگران بودند که مبادا گربه آن‌ها را پیدا کند.

روزی از روزها خبر رسید که گربه قصد دارد با کدخدای روستای موش‌ها صحبت کند و با او به توافقی برسد تا بعد از آن در کنار هم به صورت دوستانه زندگی کنند.

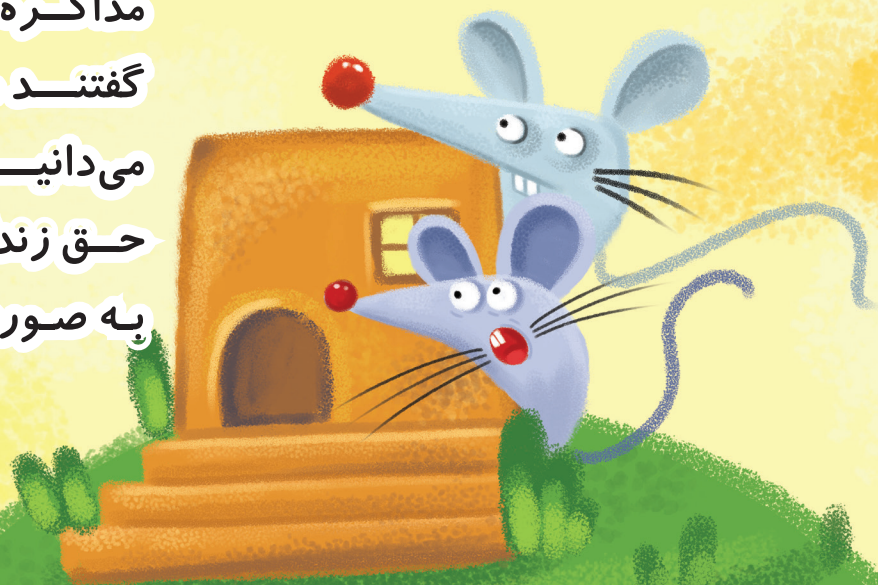




عده‌ی زیادی از موش‌ها
به حرف‌های گربه
اعتماد نکردند و به
کدخدا هشدار دادند که
گربه قابل اعتماد نیست
اما کدخدا اصرار می‌کرد
که ما باید از این فرصت
برای توافق استفاده کنیم.



کدخدا به همراه چند موش دیگر برای
مذاکره به منزل گربه رفتند. آن‌ها به گربه
گفتند ما برای گفت‌وگو آماده هستیم.
می‌دانیم که غذای تو موش است و
حق زندگی داری، به همین دلیل ما خودمان
به صورت روزانه به قید قرعه یک موش را



به منزل تو می آوریم تا او را بخوری و در عوض تو هم قول
بده به موش های دیگر کاری نداشته باشی. گربه هم این
پیشنهاد سخاوتمندانه را پذیرفت.



فردای آن روز کدخدا به همراه پنج موش پیر از بزرگان موش‌ها، همه‌ی موش‌ها را صدا زدند و بین آن‌ها قرعه‌کشی کردند و یک موش بی‌نوا را انتخاب کردند تا به نزد گربه بیاورند و غذای آن روز گربه تأمین شود.

وقتی آن‌ها به خانه‌ی گربه رسیدند، گربه بسیار گرسنه بود و وقتی چشمش به آن موش‌ها افتاد، ناگهان جهید و همه‌ی آن‌ها را یک جا خورد!!
بقیه‌ی موش‌ها که فهمیدند گربه زبان مذاکره و توافق را نمی‌فهمد، تصمیم گرفتند با هم متحد شوند و او را شکست دهند، حتی اگر به قیمت کشته و مجروح شدن بسیاری از آن‌ها تمام شود.







برای همین نقشه‌ای دقیق کشیدند و از همه
جهت به گربه حمله کردند و دست و پای او
را بستند و درسی به او دادند که دیگر هوس
خوردن موش نکند.

بعد از آن موش‌ها می دانستند که هیچ وقت
به دشمن خودشان امید نداشته باشند و به او
اعتماد نکنند.





امام علی علیه السلام:

جَمَاعُ الْغُرُورِ فِي الْاِسْتِنَامَةِ إِلَى الْعَدُوِّ.

اعتماد کردن به دشمن، عامل فریب خوردن [از او] است.

(غرر الحکم، ۴۷۷۵)

مرکز پخش: مشهد مقدس، خیابان دانشگاه، خیابان گلستان غربی، ساختمان

محراب. شماره تماس: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۲۶

ISBN : 978-622-91780-6-5

